

گزارشی از یک منطقه مسکونی شهر اهواز

گاو میش آباد حقیقت دارد

اهواز: فکر نکنید اینجا خیلی دور است، آن طرف رودخانه، روبه‌روی همین منطقه مسکونی گلستان، روبه‌روی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز، از این طرف رودخانه نمی‌بینیمش ولی هست، تکه‌ای از شهر اهواز، تکه‌تکه پارای از اهواز، گاومیش‌آباد.

کوچه‌های لجن‌آلود، آسمان دودزده، هوای بدبو، و مردم در این کوچه‌ها می‌روند و می‌آیند و زندگی می‌کنند، و گاومیش‌ها در این کوچه‌ها می‌روند و می‌آیند. گله‌های گاومیش‌های تومندنم آفتدر عادی در کوچه‌ها راه می‌روند که جای تعجب باقی نمی‌ماند و زیر سم‌های سنگین‌شان، لجن‌ها لگد می‌شوند و بچه‌های توی لجن‌ها بازی می‌کنند، این چهره گاومیش‌آباد اهواز است.

خانه اول کوچه اول گاومیش‌آباد، طولیه تاریکی دارد با گاومیش‌های تیره، پیرزن صاحبخانه به سر و روی گاومیش‌ها دست می‌کشد و حرف می‌زند، فارسی نمی‌داند ولی از سر و ته حرف‌هایش این برمی‌آید که: مواظب باشید لگد نخورید. نوه‌های کوچک پیرزن دنبال او به طولیه دویده‌اند و بازیگوشی می‌کنند و توی دست و پای گاومیش‌ها می‌پلکنند، کف طولیه پوشیده از کاه و پهن است و دمپایی‌های بچه‌ها فرو می‌رود، بچه‌ها با گاومیش‌ها بازی می‌کنند و گاومیش‌ها از بی‌سرحوصلگی سر و گردنی تکان می‌دهند و با هر تکان، مگس‌ها را توی هوا پرت می‌کنند.

مدفوع گاوها، آشفال، دود، عبور گاومیش‌ها، بوی سنگین، بعد، با همه اینها نمی‌شود فهمید این مردم چه‌جور اینجا زندگی می‌کنند، این بچه‌ها چه جور اینجا بازی می‌کنند، اینجا چه جور می‌شود دوام آورد؟ سطح خیابان‌های گاومیش‌آباد آسفالت نیست؛ احتمالاً زمین حاکی است که زیر لایه‌های کاه و پهن و زباله رفته است و باید برای هر قدم روی این سطح راه رفت و آن بالا هم آسمان در محاصره سم‌های برق غیرمجاز دارد خفه می‌شود.

زندگی در گاومیش‌آباد در جریان است، خیلی معمولی، گاوها در خیابان‌ها در کنار مردم راه می‌روند و از کنار شهروندان رد می‌شوند، در کوچه‌ای دو زن با هم حرف می‌زنند و در عبورند و گله گاومیش‌ها در کنارشان سنگین و بی‌تفاوت رد می‌شوند، جلوتر دو زن دیگر جلوی خانه‌ای ایستاده‌اند و می‌خندند، انگار همه چیز اینجا عادی است، جای شگفتی نیست؟ در فلزی یکی از خانه‌ها باز است، صدای خنده و بازی و شلپ‌شلپ آب می‌آید، توی حیاط در وان زنگ‌زده‌ای، بچه‌ها آب‌بازی می‌کنند، آب توی وان تیره و چرک و کثیف است، بچه‌ها تن خیس و آفتاب‌خورده‌شان را به آب می‌زنند و از خنک‌اش کیف می‌کنند.

پشت سرشان چند قدم عقب‌تر سالیان طولیه گاومیش‌ها سایه انداخته. بوی متعفن‌ی به موهای بچه‌ها می‌چسبد.

زن‌عموی بچه‌ها آب می‌پاشد و پاپرنه‌ه کف خاکی و کلوخی حیاط را جارو می‌زند. روبه‌روی طولیه، کنار دیوار اتاق‌های کوچک خانه مادربزرگ خانواده نشسته و بساط چای را راه انداخته است.

کوچک‌ترین‌نوه، خیس و برهنه به آغوش او می‌رود، مگس‌ی بالای لب بچه جا خوش کرده است.

خواهر و برادر بزرگ‌تر او از سر و کول هم بالا می‌روند، کاه‌ریزه‌های توی وان کثیف به موهایشان چسبیده است، بعد می‌روند و از سکوی کوچک کنار طولیه بالا می‌روند، گاومیش‌های تنبل رو برمی‌گردانند.

کوچه‌های گاومیش‌آباد همه یک ریخت و قیافه‌اند، جابه‌جا تلی از زباله را جلوی خانه‌ها آتش زده‌اند و دود خاکستری در هوا پیچیده، آشفال‌های خرده و ریزه مثل سنگ‌گرفش از این سر خیابان تا آن سر خیابان ریخته و مردم برای رد شدن از روی هر قطوی و بطری و کیسه پای خود را قدری بلند می‌کنند و می‌گذرند.

خانه‌های خیابان‌های گاومیش‌آباد دو سو دارد، یک طرف حیاط اتاق‌ها، یک طرف دیگر سالیان طولیه.

مردم و گاومیش‌هایشان روبه‌روی هم و در یک حیاط زندگی می‌کنند، چشم در چشم در خانه دیگری. زنی با چنگک و بیل، گونی‌ها را از تل کاه پر می‌کند. دست‌های او زمخت و کار کرده و چهره‌اش آفتاب‌سوخته و چشم‌هایش خسته، این شامل زنی بود در گوشه‌ای از کنار اهواز.

در همان خیابان و کمی جلوتر در وسعتی گسترده، لجن و آشفال حوضی متعفن شده است، بچه‌ها با بی‌تفاوتی و خیلی معمولی از کنارش می‌گذرند، مثل بچه‌های گلستان و



کیان‌پارس رویوش مدرسه و کوله‌پشتی‌های رنگی کوچک دارند ولی اینجا کجا و آنجا کجا. به جز گاومیش‌ها که عایران سه‌هنگین و سنگین این خیابان‌ها هستند، سگ‌ها هم برای خودشان ول می‌گردند و در سایه دیوارها لم می‌دهند، از کنار مردم می‌گذرند و مردم از کنارشان می‌گذرند.جلوتر، پیرومردی در خانه‌ای بلوکی را باز می‌کند، دنداشه سفید و تمیزش از دور پیداست، او و زن پیمارش تنها زندگی می‌کنند.

کف حیاط خانه‌شان را سنگ‌ریزه ریخته‌اند و آفتاب روی سنگ‌ریزه‌ها می‌تابد. آنها گاومیش ندارند، نه بول خریدش را دارند و نه جان و توان نگهداری‌اش را.

به سختی روزگار می‌گذرانند.

در اتاقی که خانه همه آنهاست اسباب و اثاثیه محقری چیده‌اند ولی همه چیز اتاق پاکیزه و به طرز غم‌انگیزی ساکت است، آنها فرزندی هم ندارند. زن به اصرار و با فارسی دست و پا شکسته می‌خواهد یک جوری کمیته امداد به وضع آنها برسد، می‌گوید در همین اتاق آشپزی می‌کند و نفس کشیدن برایش در هوای خفه دشوار می‌شود.در خیابان دیگری، چند کودک دبستانی جلوی خانه‌ای معرک گرفته‌اند، بچه‌ها کیوتر سب‌ریونده‌ای را به طنائی بسته‌اند و بازی می‌کنند، دختری با چشمان براق می‌خندد، انگار از هیچ چیز نمی‌ترسد.گل‌های زرد دمپایی‌های بنفش او در کوچه می‌دوند، دنبال او کشیده می‌شوی.

در خانه آنها باریک و آبی است، در را باز می‌کنند و کیوترهای برادر بزرگ‌تر پر می‌زنند.صدای بی‌قصدی کیوترها در حیاط خانه کوچک موج می‌زند، در آشپزخانه بی‌در و پیکر خانه قالمه گوجه و بامیه روی اجاق قل می‌زند و روی دیوار بلوکی قلبی کشیده‌اند و خرت و پرت‌های آشپزخانه در گوشه‌ای دیگر روی هم تلنبار است. زندگی است دیگر، به همین سادگی.

در کوچه بعدی، دانش آموزان از کنار تل آشفال‌ها و کوه کاه‌های جلوی خانه‌ها لی‌لی‌کنان به مدرسه می‌روند و از لای در نیمه‌باز خانه‌ها، بچه‌های کوچک‌تر سس‌رک می‌کشند؛ دخترکان پاپرنه‌ها با موهای بافته و زولیده، پشت سرشان توی حیاط، گاومیش‌های طولیه خمیازه می‌کشند.آخر خیابان، دختر جوانی گله گاومیش‌ها را به رودخانه می‌برد و دامن آبی‌اش در تیرگی هولناک گله، موج می‌خورد.گاومیش‌آباد، تکه‌ای واقعی از شهر اهواز است، حقیقتی واضح که نمی‌شود گفت نیست، نمی‌شود پشت نخل‌های دانشگاه و آپارتمان‌های مسکونی آن طرف رودخانه قایمیش کرد، گاومیش‌آباد وجود دارد.

سرزمینی

کرمان آبستن بحران

زمین‌لرزه‌های متعدد در شهر ریگان

◀ **وحید قریایی**

زمین‌لرزه‌های پشت سر هم، مناطقی از جنوب استان کرمان خصوصاً در شهرستان ریگان را به گه‌سوارهای تبدیل کرده است که مرتباً به حرکت درمی‌آید؛ زمین‌لرزه‌هایی که حتی گاهی در مرکز این استان و شهر کرمان نیز احساس می‌شود و باعث هراس شهروندان خصوصاً آنها که در طبقات بالایی آپارتمان‌ها زندگی می‌کنند، می‌شود.

نگاهی به لیست زمین‌لرزه‌های ثبت‌شده در سایت مرکز لرزه‌نگاری کشوری به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد، به طوری که تنها در روز پنجشنبه گذشته ۳۴ زمین‌لرزه در مناطق جنوبی استان کرمان به مرکزیت محمداًباد ریگان ثبت شده بود که یکی از آنها به بزرگای شش ریشتر بود. این در حالی است که بسیاری از مردم در نقاط مختلف شهرستان ریگان از منازل خود خارج شده‌اند و ورزش بادهای شدید و توفان شن نیز در این هیاوهی زمین مشکلی بزرگ برای آنها شده است.

فرماندار ریگان اما با اشاره به تداوم زمین‌لرزه‌های ریگان و بروز توفان شن می‌گوید: بر اثر زمین‌لرزه برخی از خانه‌های مسکونی ریزش کرده‌اند و دیوار برخی از منازل مسکونی هم ترک خورده است.

محمد برزنگ با اشاره به فعال بودن گسل ریگان از مردم می‌خواهد تدابیر ایمنی را رعایت کنند و در مکان‌های پرخطر حضور نیابند. وی با اشاره به اینکه کانون زمین‌لرزه‌های روی‌داده در چند روز اخیر همان کانون زمین‌لرزه ۶/۵ ریشتری ماه قبل بوده است و مردم در این مناطق در چادر زندگی می‌کنند، می‌گوید: چادر لازم میان روستاییان و ساکنان خانه‌های غیرمقاوم در این نقطه توزیع شده است بنابراین در حال حاضر نیازی به توزیع چادر نیست. اما این روزها در حالی که مردم در شهرستان «ریگان» با زمین‌لرزه‌های متعددی در منطقه‌ای که زندگی می‌کنند مواجه شده‌اند، کارشناسان زمین‌شناسی هم با روی‌دادهایی جدید مواجه شده‌اند که منشاء همین زمین‌لرزه‌هاست و برای آنها قابل توجه بوده است.

بر اساس مطالعات صورت‌گرفته در مناطق زلزله‌زده جنوب استان کرمان و بررسی عکس‌های اداری مشخص شده است گسلی که عامل بروز زمین‌لرزه ۲۹ آذرماه ریگان و فهرج بوده غیر از آن گسلی است که تاکنون تصوری‌شده‌ست.

مدیر سازمان زمین‌شناسی جنوب خاوری در گفت‌وگو با شرق با تأیید این‌موضوع می‌گوید: «تاکنون این گسل‌ها روی نقشه‌های زمین‌شناسی معرفی نشده بودند. البته این ناشناختگی به آن معنی نیست که این گسل‌ها تاکنون وجود نداشته‌اند بلکه شناسایی آنها در همین روزهای اخیر صورت گرفته است.»

مسعود ناظم‌زاده‌شعاعی تصریح می‌کند: «این گسل‌ها در منطقه‌ای شناسایی شده‌اند که بیش از ۱۰ هزار سال قبل فوران آتشفشانی وجود داشته است و هیچ بعدی نیست شکاف‌هایی که در آن زمان مواد مذاب از آنها خارج می‌شده در حال

حاضر تحت مکانیسم فشاری عمل می‌کنند.»

وی احتمال تعلق این گسل‌ها به انتهای گسل‌های نایبند و نه‌بندان را نیز رد نمی‌کند و می‌گوید: «در حال حاضر منطقه توسط دستگاه‌های لرزه‌نگار تحت نظارت قرار دارد و چند دستگاه لرزه‌نگار و GPS سینماتیک در منطقه قرار داده شده است.»

او با اشاره به اینکه هنوز در منطقه پس‌لرزه‌های بعد از زمین‌لرزه ۲۹ آذرماه وجود دارد، می‌گوید: «در هفته اول پس از آن زمین‌لرزه، بیش از ۱۰۰ پس‌لرزه بالای دو نیم ریشتر ثبت شد و این در حالی است که پنجشنبه گذشته نیز زمین‌لرزه‌ای به قدرت ۳/۹ ریشتر محمداًباد ریگان را لرزاند.»

مدیر سازمان زمین‌شناسی جنوب خاوری تأکید می‌کند: «این منطقه از لحاظ مطالعات زمین‌شناسی بکر است و باید مطالعات ویژه‌ای در آن صورت گیرد.»

ناظم‌زاده همچنین عنوان می‌کند: «در زمین‌لرزه دی‌ماه ۸۲ هم نیز گسل دیگری غیر بود. البته در همان زون گسلی اما در یک شاخه دیگر گسل نایبند قرار داشت.»

وی احتمال وجود گسل‌های ناشناخته دیگری در استان کرمان را که روی نقشه‌های زمین‌شناسی معرفی نشده‌اند، رد نمی‌کند و با طرح این سوال که مگر چند زمین‌شناس این مناطق وسیع را مورد مطالعه قرار داده‌اند، می‌گوید: «تردید نداریم که در مناطق دیگر استان کرمان گسل‌های ناشناخته‌ای وجود ندارد و همین پدیده‌های نو و ناشناخته است که نگرانی‌هایی را به دنبال می‌آورد.»

او عنوان می‌کند با توجه به اهمیت چنین موضوعاتی قرار است با مشارکت فرمانداری بم یک پژوهشگاه دائمی زمین‌شناسی در این شهرستان ایجاد شود.

گسل‌های خطر ساز استان کرمان

اما وضعیت زمین‌شناسی در استان کرمان فراتر از زمین‌لرزه‌های روی‌داده چند روز گذشته در شهرستان ریگان است. مدیر سازمان زمین‌شناسی جنوب خاوری به گسل‌هایی اشاره می‌کند که روی نقشه‌های زمین‌شناسی در استان کرمان معرفی شده‌اند و وجود هر یک از آنها می‌تواند هشداری برای ساکنان استان کرمان باشد. این در حالی است که کارشناسان سازمان زمین‌شناسی کشوری نیز از چندی پیش مطالعاتی را روی گسل‌های موجود در استان کرمان آغاز کرده‌اند.

گسل نایبند عامل زمین‌لرزه مرگبار بم

به گفته ناظم‌زاده‌شعاعی یکی از گسل‌های مهمی که فعالیت تخریبی زیادی نیز در استان کرمان داشته است، گسل «نایبند» است. این گسل به طول ۶۰۰ کیلومتر از بشرویه در خراسان جنوبی تا بم ادامه دارد که بخش انتهایی آن واقع در استان کرمان شامل گسل‌هایی نظیر گسل بم، سیرج، گلیاب، شهداد، چهارفرسخ و روستان است.

وی می‌افزاید: «بخش عمده این گسل در مناطق بیابانی قرار دارد و آبادی مهمی را در برنمی‌گیرد اما ظاهراً زلزله طیس حاصل

سال پنجم ■ شماره ۱۱۷۴ ■ دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۹